

پژوهش‌نامه نقد وهابیت؛ سراج منیر ♦ سال ششم ♦ شماره ۲۱ ♦ بهار ۱۳۹۵  
صفحات: ۱۶۲-۱۴۱ ♦ تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۵/۰۳ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۰۸/۱۵



## ظهور و انحطاط انصار الشریعة در لیبی<sup>۱</sup>

آرن وای. زلین\*

ترجمه: مصطفی ورتابی کاشانیان\*\*

### مقدمه مترجم

بهار عربی و آغاز قیام ملت‌های عرب علیه دولت‌های مستبد و دست‌نشانده غرب، هرچند ابتدا نویددهنده تحولی عظیم در میان توده‌های مسلمان بود، اما برآیند آن در کشورهای مثل تونس، مصر، لیبی و اردن، با چیزی که جامعه مسلمان انتظار آن را داشت بسیار متفاوت بود. این قیام‌ها برای برخی، مثل مردم تونس انحراف این جریان از مسیر اصلی را در برداشت؛ برای برخی مثل مردم مصر، پس از موفقیتی نسبی، کودتای نظامی به همراه داشت؛ و برای مردم لیبی، نبود دولت مرکزی و مقتدر را رقم زد. تمامی این نتایج را می‌توان به نوعی حاصل دسیسه‌های غرب، دول استعماری و نیز متحدانشان در منطقه دانست. اما آنچه این مقاله بدان می‌پردازد، نحوه پیدایش و فراز و فرود گروه موسوم به انصار الشریعة است که از گروه‌های سلفی - جهادی منطقه بود، و از

۱. مجله ی Current Trends In Islamic Ideology, Vol 18, May 2015.

\* دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه کینگز کالج لندن که پایان‌نامه ارشدش درباره تاریخچه گروه‌های جهادی تونس است. هم‌اکنون کارشناس انستیتوی واشنگتن در زمینه خاورمیانه و گروه‌های جهادی است. وی سایت Jihadology.net را راه‌اندازی کرده که نقل‌قول‌های فراوانی از آن در مقالات و پژوهش‌ها صورت گرفته است. تمرکز پژوهش‌های او بر گروه‌های جهادی جهان، به‌ویژه انصار الشریعة در شمال آفریقا و جبهه النصره در سوریه، است.

\*\* پژوهشگر مؤسسه تحقیقاتی دارالاعلام لمدرسة اهل البيت (علیهم‌السلام) و دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام دانشگاه تهران.

Mostafa1303@yahoo.com

نبود دولت مرکزی در لیبی سوءاستفاده کرد و موقعیت خود را در این کشور برای مدت کوتاهی استحکام بخشید.

آنچه پیش روی شما است ترجمه‌ای است از مقاله منتشرشده در مجله گرایش‌های معاصر در ایدئولوژی اسلامی، وابسته به مؤسسه هادسون، که همین موضوع را بررسی می‌کند. مطالب این مقاله نیز صرفاً از متن اصلی ترجمه شده و دیدگاه‌های نویسنده آن است. ترجمه آن لزوماً به معنای تأیید دیدگاه‌های ایشان نیست.

### مؤسسه هادسون

مؤسسه هادسون خود را سازمان مستقلی معرفی می‌کند که به دنبال ارتقای ایده‌های جدید برای پیشرفت و توسعه امنیت، رفاه و آزادی جهانی است و هرمن کان، استراتژیست و برنامه‌ریز سیاسی- نظامی، آن را در سال ۱۹۶۱ تأسیس کرد. این مؤسسه تفکرات کنونی در مواجهه با تجدد را می‌کاود و نقد می‌کند و مدعی است می‌تواند از طریق مطالعات میان‌رشته‌ای، به مدیریت هدفمند و تحت برنامه‌گذار از سنت به تجدد و اصلاح مناسبات آینده کمک کند؛ و این کار را به منظور دفاع از روابط، اقتصاد، بهداشت، تکنولوژی، فرهنگ و قانون بین‌الملل انجام می‌دهد.

به اذعان مؤسسان، هادسون به دنبال هدایت سیاست‌گذاران اجتماعی و رهبران جهانی در حکومت و تجارت، از طریق برنامه‌ای قوی و مستحکم است که شامل نشریات، همایش‌ها، جلسات سیاسی و مطرح کردن پیشنهادها و توصیه‌ها می‌شود. محل اصلی این مؤسسه در واشنگتن دی سی است و خود را یکی از قدیمی‌ترین و پرمراجع‌ترین منابع فکری در این زمینه، در دنیا معرفی می‌کند، که از سال ۲۰۰۴ تمرکز مطالعاتش بر سیاست خارجی و موضوعات مرتبط با امنیت ملی است.

### پیدایش انصار الشریعة

در دو سال اخیر، با ظهور جبهه النصره و بازگشت دولت اسلامی عراق و شام (داعش) توجه جهان به سوریه و عراق معطوف شده است. هرچند تقریباً هزار مایل دورتر در جهت

غرب (این مناطق) انصار الشریعة در لیبی (ASL)، تا زمان حمله به کنسولگری آمریکا در بنغازی، در ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۲، به فعالیت خود به منظور زمینه‌سازی برای تشکیل دولت اسلامی در آینده، ادامه می‌داد.

انصار الشریعة، ابتدا، برنامه‌ای گسترده و پیچیده برای دعوت به راه انداخت که شامل خدمات اجتماعی در داخل و خارج از لیبی می‌شد. این مسئله حمایت محلی را به دنبال داشت. اما زمانی که ژنرال لیبیایی، خلیفه هفتر، در ماه می ۲۰۱۴ تهاجمی عمده علیه گروه‌های اسلام‌گرای مسلح در غرب لیبی اعلام کرد، انصار الشریعة اولویت را بر فعالیت‌های نظامی گذاشت. فرصت‌های انصار الشریعة رو به افول گذاشت؛ به‌علاوه این اوضاع با مرگ رهبر آن، محمد الزهاوی، که در ۲۰۱۵ تأیید شد، شدت یافت؛ و داعش از نوامبر ۲۰۱۴ تلاش‌های خود را برای تشکیل گروهی لیبیایی مستقل از انصار الشریعة، شدت بخشید. بر این اساس، این مقاله فراز و فرود انصار الشریعة را بررسی خواهد کرد.

انصار الشریعة در بسیاری جهات تابع الگوی انصار الشریعة تونس (AST) بود؛ مثلاً اینکه مقصود از دعوت و کمپین خدمات اجتماعی صرفاً تأسیس و راه‌اندازی نوعی انجمن اسلامی نبود، بلکه (هدف) دولتی اسلامی بود که در نهایت با قانون اسلامی حکومت می‌کند. در مقایسه با دولت لیبی، که اغلب فاسد، بی‌کفایت یا مُسْرِف بود، انصار الشریعة به دنبال متقاعدکردن مردم محلی در کفایت و خیرخواهی خود بود. این قضیه به کسب حمایت عمومی کمک می‌کرد.

اضافه بر این، انصار الشریعة در پی به دست آوردن سراسر لیبی، از بنغازی، تریپولی و اجدابیا تا سرت، درنه و خلیج صدرا بود، که در مناطق کوچک‌تر عملیاتش گسترده‌تر بود. از همه مهم‌تر اینکه عوامل خود را به سوریه، سودان و غزه اعزام کرد تا در فعالیت‌های بشردوستانه کمک کنند. این لایه‌ای کاملاً جدید را به مفهوم جهانی «جهاد» می‌افزاید و اینکه چگونه گروه‌های متفاوت ممکن است سعی در تعامل با مردمی داشته باشند که در مناطق عملیاتی آنها ساکن نیستند.

انصارالشریعة، به عنوان یک سازمان، هویت‌های متعددی داشت: از یک سو، نوعی مؤسسه خیریه، سرویس امنیتی، سرویس سلامت و متولی آموزش مذهبی بود. از سوی دیگر، نوعی سازمان نظامی تروریستی و محلی برای آموزش جهادی‌های خارجی بود. برای شناخت این پیچیدگی، این تحلیل، به همه جوانب این گروه و آزار و اذیت‌های محلی و جهانی دعوت انصارالشریعة نظر دارد. امیدها و برنامه‌های این گروه مبتنی بر ادبیات دعوت به عقیده و منهج است. آموزش مبارزان خارجی به دست این گروه با هدف نبرد در سوریه و مبارزه با ژنرال هفتر و داعش به عنوان رقیب، صورت می‌گیرد. به طور خلاصه، این مقاله به دنبال ترسیم دیدگاهی جامع از انصارالشریعة، در چهار سالی است که به وجود آمده‌اند.

### دعوت، اولین راهبرد

از عواقب قیام عرب‌ها، خصوصاً در کشورهایی چون مصر، لیبی و تونس، که حکومت‌هایش به کلی سرنگون شدند، این بود که فضای عمومی باز شد. این کشورها، همچنین در پی شکست‌های دهه اخیر القاعده در عراق در به دست گرفتن کنترل قلمروش و تأسیس حکومت، شروعی تازه و محکی برای گروه‌های جهادی جدید بودند. مثلاً رهبر القاعده، ایمن الظواهری، فکر می‌کرد این محیط جدید فرصتی برای دعوت و اطلاع‌رسانی است. او می‌گفت: «فقط خدا می‌داند که آنها (دولت‌های محلی و غربی‌ها) تا کی دوام می‌آورند. بنابراین، جمعیت اسلام و جهاد باید از آنها استفاده خود را ببرد و بهره‌برداری کند».<sup>۱</sup> در پیغام صوتی مشابهی، مجدداً بر برتری شریعت بر هر نظام حقوقی و قانونی دیگر تأکید کرد. ظواهری، همچنین، آزادی کشورهای اسلامی را تأیید می‌کرد، در حالی که مخالف روابط حسنه با اسرائیل بود و بر اهمیت پاک‌سازی این سرزمین‌ها از فساد مالی و اجتماعی تأکید می‌کرد.

۱. طبق گزارش شبکه السحاب، آگوست ۲۰۱۱.

در ۲۰۱۴، ابومحمد مقدسی، اولین ایده‌پرداز سنی جهادی که هنوز هم در قید حیات است، در تلاش برای هدایت جنبش جهادی و دورنگه‌داشتن آن از سوءاستفاده‌ی شاگرد سابقش، ابومصعب زرقاوی، رهبر القاعده عراق، کتابی با عنوان وقف ما ثمرة الجهاد نوشت. مقدسی در این کتاب تفاوت بین آنچه او به عنوان «قتال النکایة» (نبرد با دشمن) توصیف می‌کند با «قتال التمكن» (مبارزه برای تحکیم قدرت) را بررسی می‌کند. مقدسی استدلال می‌کند که گذشته فقط یک پیروزی تاکتیکی کوتاه‌مدت به دنبال دارد، در حالی که آینده چارچوبی اساسی برای استحکام دولتی اسلامی به ارمغان می‌آورد. تأکید مقدسی، به طور ضمنی، بر اهمیت برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، آموزش و دعوت است.<sup>۱</sup>

تشکیل انصار الشریعة لیبی همراه با سازمان‌های مشابهش، یعنی انصار الشریعة تونس و انصار الشریعة مصر، نتایج منطقی عملی کردن دیدگاه‌های الطواهری و مقدسی لحاظ می‌شود.<sup>۲</sup> به طور خلاصه، این گروه‌ها به جای راهبرد اولیه جهاد، به راهبرد دعوت اولویت دادند. در نتیجه یکی از روش‌های اصلی پیش روی انصار الشریعة برنامه‌های خدمات اجتماعی بود. این تربیت پیروان در شکل گسترده، در مقایسه با بیشتر سازمان‌های پیش‌تاز جهت‌دار که با جهادگرایی محلی، منطقه‌ای یا با قابلیت جهانی در طول سی سال گذشته درگیر بوده‌اند، روشی جدید برای استحکام دولت اسلامی آینده در نظر گرفته شد.

ابتدا این روش، با شمار بی‌سابقه افرادی که به انصار الشریعة لیبی و تونس پیوستند، برای ایجاد راهی جدید و موفق پیش روی جنبش جهادی بود. هرچند در طول دو سال گذشته این روش دعوت اولیه نتیجه عکس داشت. در اوایل جولای ۲۰۱۳، یک ماه بعد از کودتای عبدالفتاح السیسی در مصر، اعضای کلیدی انصار الشریعة مصر یا دستگیر شدند، یا مجبور شدند به جماعت انصار بیت المقدس، که در شمال سینا در حال تدارک شورش بودند، بپیوندند. برخی دیگر به سوریه گریختند تا در جهاد علیه بشار اسد شرکت کنند.

۱. آرون. وای. زلین، کانال سیاست‌های خارجی خاورمیانه، «شاگردان مقدسی در لیبی و تونس»، ۱۴ نوامبر ۲۰۱۲؛ همو، «انصار الشریعة خود را بشناس»، ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۲.

۲. همان.

کمتر از دو ماه بعد، در پایان آگوست ۲۰۱۳، دولت تونس انصارالشریعة تونس را سازمانی تروریستی معرفی کرد و از طریق دستگیری‌های گسترده، اقدام به از بین بردن آن کرد. در نتیجه برخی از آنها به لیبی رفتند و به انصارالشریعة لیبی ملحق شدند و عده‌ای نیز به سوریه رفتند و به داعش پیوستند.

درباره انصارالشریعة لیبی، وقتی ژنرال هفتر جنگ مقابل ایشان را به راه انداخت، تأثیر فراوانی بر توقف روش قانونمند دعوت داشت. دعوت هر جا که اتفاق می‌افتاد و انتشار می‌یافت، حمایت می‌شد و این حمایت مربوط به فراهم کردن گوشت و غذا برای فقرا و نیازمندان در ماه رمضان و عید فطر و عید قربان در تابستان و پاییز ۲۰۱۴ بود؛ و تا زمانی که اعضای این گروه با نیروهای ژنرال هفتر درگیر شدند، انتشار بسیاری از این مسائل (دعوت) ادامه داشت. به علاوه، در حالی که انصارالشریعة هنوز به اعضایش در دیگر شهرها می‌بالید، عمده فعالیت‌های نظامی‌اش را در بنغازی متمرکز کرد. هرچند انصارالشریعة لیبی مثل انصارالشریعة مصر و تونس از هم نپاشید، ولی توانایی‌هایش به شدت تنزل یافت و این بستری مناسب برای داعش در پاییز ۲۰۱۴ فراهم کرد.

انصارالشریعة در اوج مبارزاتش بر شبکه‌ای گسترده از سرویس‌های داخل و خارج لیبی نظارت داشت. در واقع، دامنه فعالیت‌های آن عبارت بود از: کمپین مبارزه با مواد مخدر، اهدای خون، اهدای غذا (از جمله قربانی کردن حیوانات در اعیاد مذهبی برای فقرا)، برگزاری رقابت‌های قرآنی برای بچه‌ها، ایجاد مشاغل خانگی برای فقرا، نظافت مدارس، از بین بردن زباله و تعمیر پل‌ها. انصارالشریعة به دلیل ایجاد یک کلینیک پزشکی برای زنان و کودکان، یک مرکز اسلامی برای زنان، اورژانس و یک مدرسه مذهبی به نام مرکز الامام بخاری لعلماء الشریعة، فعالیت‌های چشمگیری انجام داد. همچنین، امنیت بیمارستان مهم الجلا در بنغازی را تأمین می‌کرد.

آنچه این تلاش‌ها را موثرتر می‌کرد این بود که انصارالشریعة در انجام دادن این فعالیت‌ها مستقل نبود، بلکه از حمایت و پشتیبانی دیگر سازمان‌های محلی هم برخوردار بود. فعالیت اهدای خون با مرکز خون بنغازی هماهنگ می‌شد، تا جایی که حتی این مرکز

در ۲۵ جولای ۲۰۱۳ با اهدای جایزه‌ای از انصارالشریعة تقدیر کرد. همچنین، انصارالشریعة همایش‌هایش را با صندوق تأمین اجتماعی شعبهٔ بنگازی تنظیم می‌کرد؛ و در همکاری با شرکت برق و شرکت «تجامع القواشاش الخیریه والدعاوی» راه‌ها را تمیز می‌کردند. به‌علاوه، موفق‌ترین برنامه‌ای که انصارالشریعة به عهده گرفت کمپین شدید مبارزه با مواد مخدر بود که با همکاری کلینیک رهبا در بیمارستان روان‌پزشکی بنگازی، باشگاه فوتبال الاهلی، شرکت مخابرات و شرکت برق لیبی انجام داد. این در حالی است که انصارالشریعة، در سرت در ماه رمضان، میزبان مسابقات ده‌روزه قرآن بود که با مشارکت ادارهٔ اوقاف سرت، رادیو توحید سرت، شرکت خدمات بهداشتی و دانشگاه سرت برگزار شد. همچنین، در ماه رمضان در فعالیت اهدای غذا کمک کرد که توانست حمایت شرکت لیبیایی پرایمرا گالری (Primera Gallery)، مؤسسه الامام، تجامع القواشاش الخیریه والدعاوی و مرکز فاروق را به دست آورد.<sup>۱</sup>

انصارالشریعة فراتر از فعالیت‌های محلی‌اش، کمپینی قوی در کشورهای سوریه، سودان و نیز غزه به راه انداخت. انصارالشریعة این دعوت فرامرزی را با عنوان «کاروان نیکی برای مردمان در محل» راه‌اندازی کرد. تلاش‌ها در نوامبر ۲۰۱۲ آغاز شد؛ یعنی وقتی که انصارالشریعة محموله‌ای کمکی به سوریه و غزه فرستاد که حاوی ادبیات دعوتش بود. هرچند مهم‌ترین فعالیت آنها، در واکنش به سیل عظیم سودان در ۲۰۱۳ بود. یک گروه از انصارالشریعة با دو محموله شامل ۵ تن دارو، ۱۲ تن غلات و حبوبات و هشت تن شیرخشک، در خارطوم فرود آمدند. بستهٔ دوم شامل ۲۴ تن لباس و ۱/۵ تن فرش برای مساجد بود. تمام این محموله‌ها با نشان و برچسب انصارالشریعة بود. سطح این هدف برجسته بود، ولی این واقعیت، که این محموله از سوی نوعی سازمان جهادی جهانی می‌آید که آن را تهیه کرده و در امنیت تحویل سودان داده است، گواه توانایی‌های گروه‌های سازمانی و نیز روابط محتملش با دولت سودان است.

۱. همان کانال، آرون. وای. زلین، «جهادی‌های لیبیایی فراتر از بنگازی»، ۱۲ آگوست ۲۰۱۳.

پرسش‌های مشابهی درباره عملکرد انصارالشریعة در سوریه و روابط بالقوه‌اش با دولت ترکیه مطرح است. این کمپین در سوریه «ارتقادهنده آزادی مردم از قوانین تحمیلی دموکراسی غربی و ارتقای سطح زندگی با نیکوکاری، سرافرازی و کرامت تحت قانون خدا»<sup>۱</sup> نامیده می‌شد. در اواخر ژانویه ۲۰۱۴، انصارالشریعة از میان دیگر مناطق، سه محموله کمکی شامل گوشت قربانی، آرد و ژنراتور برق به لاذقیه، سلما و کسب فرستاد. این تلاش‌ها در سوریه نشان‌دهنده برنامه‌ریزی عالی و سازمان‌دهی قوی آنها است، چراکه انصارالشریعة لیبی باید به منابع محلی دسترسی داشته باشد تا پراکندگی انسانی این منطقه را به دست آورد. همچنین، در نهایت، انصارالشریعة در اواخر ژانویه ۲۰۱۴ به یکی از حملات هوایی اسرائیل در غزه پاسخ داد.<sup>۲</sup> این حمله چنین نامیده شد: «ما در لیبی هستیم ولی چشمانمان در اورشلیم». روابط انصارالشریعة لیبی در غزه خانه به خانه پیش رفت و در شهر همسایه غزه، النفق، توزیع پاکت‌های پول با نشان انصارالشریعة لیبی در میان کسانی که خانه‌هایشان از توپ‌خانه صهیونیست‌ها آسیب دیده بود سرعت گرفت. این کمپین، نشان‌دهنده امکانات شبکه انصارالشریعة لیبی در غزه است.<sup>۳</sup>

در حالی که تأثیر این کمپین در خارج از کشور بیان‌کننده نفوذ و قدرت بالایی انصارالشریعة است، ولی از زمان آغاز مبارزه با ژنرال هفتر، انصارالشریعة هیچ نشانه‌ای دال بر ادامه فعالیت‌های بین‌المللی از خود نشان نداده است. در عوض، به نحو فزاینده‌ای فعالیتش را بر حفظ جایگاه خود متمرکز کرده است. هرچند بحث از مبارزه با جنرال هفتر، اولویت دارد، ولی برجسته کردن پشتوانه ایدئولوژیکی انصارالشریعة مهم است، خصوصاً بخشی از نوشتجاتی که در دعوت محلی و بین‌المللی‌شان منتشر کردند، حاوی مطالب کلیدی در این باره است.

1. Uplifting the Ummah, freedom from forced rule, Western dominance, and uplifted by the goodness, pride and dignity under the law of Rahman

۲. روزنامه هآرتس، ۲۲ ژانویه ۲۰۱۳؛ آموس هارل گفت اسرائیل دو شبه‌نظامی اهل غزه را در تشییع جنازه شارون کشت که یکی از آنها حامل چند راکت بود.

۳. نشریه فکر آفریقا، آرون. وای. زلین، «تونس به دنبال کشف انصارالشریعة»، ۲۵ اکتبر ۲۰۱۳.

## چشم‌انداز ایدئولوژیک

یکی از مهم‌ترین جزواتی که انصارالشریعة در طول فعالیت‌های دعوتش منتشر کرد، مربوط به آموزش افراد طبق اصول و دستور کارش بود.<sup>۱</sup> ایدئولوژی اصلی انصارالشریعة، زیربنای جهادی-جهانی خاصی دارد. در درجه اول تأکید خاصی بر توحید الهی دارد، به این معنا که نه خدای دیگری و نه کسی که در حد او در خور احترام باشد، وجود ندارد. منشأ اضافه نمودن یا کاستن چیزی از امور دینی، قرآن، کلام خداوند متعال است و (در درجه ی بعد) سنت (قول و فعل) پیامبر است که تبیین کننده ی قرآن است.

دوم؛ آن‌طور که این جزوه می‌گوید، اگر مسلمان تابع قدرت محض و صرف خداوند نباشد، کافر است. هر کس که طالب چیزی غیر از اسلام باشد، از قبیل دموکراسی یا سکولاریسم، کفر خود را آشکار کرده است و دیگر ارزش و احترامی ندارد. جواز تکفیر، ریشه در ضرورتی سازمانی برای تحمیل اطاعت از مجموعه‌ای از افعال و باورهای دارد که به صورت استنباط یا تفسیر لفظی از قرآن و سنت گرفته می‌شود.

سوم؛ این جزوه ادامه می‌دهد که سازوکار الهی برای تصفیه امت از کفر، و اعمال توحید، جهاد مسلحانه است. جهاد نیاز به حکم امام ندارد، چراکه مبارزه با کفر در جهان از وفای به ایمان واجب‌تر است. بنابراین، برپاکردن جهاد شرطی اساسی برای آن است که مسلمانی واقعی باشی. پس اگر مسلمانی در مقابل مدعیان کفر جهاد کند، از سوی انصارالشریعة لیبی، متهم به مسلمان عاصی نخواهد شد.

به علاوه، از آنجا که وظیفه‌ای بالاتر از جهاد نیست، خون مسلمانان هم حرمتی ندارد. اولویت دادن به قدرت نظامی و نظم، امری لازم برای وحدت امت اسلام و تبدیل آن به نهادی واحد است. احزاب سیاسی حتی از نوع اسلامی‌اش، عرضه‌کننده تکرگرایی و دموکراسی هستند. بنابراین، به تفرقه امت اسلامی کمک می‌کنند. در نهایت انصارالشریعة به تأسیس دولتی قدرتمند و الهی، مبتنی بر شریعت، برای از بین بردن قوانین و قانون اساسی جاری کمک می‌کند. ظاهراً دستور کار انصارالشریعة، محلی است؛ یعنی

۱. بنیاد رسانه الریان، «انصارالشریعة در لیبی، اصول و دستورالعمل‌ها».

مبارزه کردن با نظامیان رقیب در یک جنگ، به منظور تسلط بر لیبی و اصلاح آن در جهت دولتی اسلامی. هرچند باورها و توجیهات مذهبی برای رفتار خشن، طرد کامل از سوی نظام جاری جهان و مخالفت ثابت را در بر دارد.

بحث دیگر در جزوه انصارالشریعة، بیان مسائل مربوط به دموکراسی با جزئیات است.<sup>۱</sup> انصارالشریعة در کنار تمرکز بر توحید و ضرورت جهاد، نفرت عمیقی از دموکراسی دارد. استدلال اصلی این نوشته آن است که دموکراسی با شورا یا دولت اسلامی مبتنی بر شریعت، تناقض دارد. سه تفاوت اساسی وجود دارد که اسلام و دموکراسی را ناسازگار می‌کند: دموکراسی مبتنی بر قانون مردم است، در حالی که شورا مبتنی بر قانون خدا است. دموکراسی اجراکننده قوانین انسان‌سازی است که اسلام از آن منع کرده است، در حالی که شورا از اجتهادی استفاده می‌کند که برای ساختن ارزش‌های فردی، بر اساس آموزه‌های اسلامی عمل می‌کند؛ و سیستم دموکراسی را مردم اداره می‌کنند، در حالی که شورا را خدا اداره، و بر آن نظارت می‌کند. هدف این نوشته، نامشروع کردن رهبران عربی است که مدعی‌اند مسلمانان باتقوایی هستند، اما در حکومت کردن و به دست آوردن قدرت سیاسی طبق الگوهای دموکراسی عمل می‌کنند. از همه مهم‌تر، انصارالشریعة، با قراردادن دموکراسی و اسلام در موقعیت آشتی‌ناپذیر، احزاب سیاسی اسلامی، نظیر حزب عدالت و عمران اخوان المسلمین لیبی را، که به دنبال اجرای اصول اسلامی در سیاست اجتماعی، آن هم در چارچوبی دموکراتیک است، بی‌ارزش می‌کند.

برای انصارالشریعة، نه تنها دموکراسی اساساً با اسلام ناسازگار است، بلکه شکل‌گیری دموکراسی در واقع مانند نظام استبدادی است. طبق آنچه از این نوشته برمی‌آید، انصارالشریعة مستقیماً نمونه‌هایی از آزادی ارزش‌ها را، که در بسیاری از کشورهای دموکراتیک ایجاد شده، هدف گرفته است، از قبیل شهوت‌ها، رسوایی‌ها، شراب‌خواری، رفتارهای سبک‌سرانه و مسخره، ترانه خواندن‌ها، هرزگی‌ها، زنا و بی‌عفتی، سینماها؛ همچنین، تحمیل قوانین سازمان‌های کافر مثل منشور سازمان ملل متحد و قوانین

۱. همان، «آیا دموکراسی در اسلام وجود دارد یا خیر؟».

مجالس قانونی عمومی، و قوانین انتخابات دموکراتیک احزاب. بنابراین، نتیجه منطقی آن است که اگر کسی در رفتارهای شهوانی و رسوایی‌ها شرکت نکند، تروریستی افراطی که میانه‌ای با صلح جهانی و همزیستی ندارد، در نظر گرفته می‌شود. با تحمیل ارزش‌های غیراسلامی خاص بر جامعه و منع کردن از قانون مصوب شریعت، دموکراسی مستقیماً به دنبال ریشه‌کن کردن اسلام است. بنابراین، مجالس انتخاباتی و پارلمان‌ها که بر اساس قانون اکثریت بنا می‌شوند، مفاهیمی هستند که ارتباطی به قرآن و حدیث ندارند، پس به دنبال براندازی قانونی هستند که خدا تأیید کرده است. در نهایت، انصارالشریعة با شکست قیام‌های عربی در به‌وجود آوردن دولتی بهتر، خصوصاً در مصر، تونس، اردن و یمن، چهره دموکراسی را سیاه جلوه می‌دهد. درسی که از این قیام‌ها گرفته می‌شود این است که دموکراسی سرشار از مقررات مزورانه است. اساساً قیام‌های گذشته عرب‌ها علیه دیکتاتورهای و ناآرامی‌های داخلی که به دنبال آن آمد، محصول دموکراسی است.

سومین جزوه‌ای که انصارالشریعة در میان هوادارانش و نیز کسانی که قصد ورود به این جریان را داشتند توزیع کرد، این بود که چگونه با افسران پلیسی تعامل کنیم که باید در خیابان‌ها بایستند.<sup>۱</sup> این جزوه دربردارنده نکاتی بود برای گفت‌وگو درباره وضعیت جاری لیبی، به منظور ایجاد شک در میان پلیس‌ها و تشویق آنها به گریختن. از جمله نکات این گفت‌وگو فراخواندن خدا به عنوان تنها داور عادل و منشأ اعتبار حکومت است، در حالی که بر مبارزه با قوانین انسانی تأکید دارد، و می‌گوید (قوانین انسانی) هرچه حکم کند از جانب خدا نیامده است. خدایی که نوشته انصارالشریعة مطرح می‌کند برای حکومت به بشر اعتماد نمی‌کند، اما به‌سادگی برای از بین بردن شر، و هر چیزی که به تفسیر تحت‌اللفظی از متن اسلامی ملحق نشود، (به همین انسان) اعتماد می‌کند. برای تحت تعقیب قراردادن مجرمان تحت قانون مدنی لیبی، پلیس‌ها در واقع مردم را به کفر مجبور می‌کنند چراکه (در صورت تبعیت) مردم تابع طاغوت شده‌اند. مفهوم پلیس و ارتشی مطرود نیست، به شرط اینکه قدرتش بر اساس شریعت مشروع باشد.

۱. همان، «کسانی که ملزم به متوقف کردن خودروی پلیس در حال انجام دادن وظیفه برای صحبت با آنها هستند».

بیانیهٔ ایدئولوژیکی نهایی، درباره دیدگاه جهانی انصارالشریعهٔ لیبی، اهمیت بسیاری دارد. در حالی که انصارالشریعهٔ عمدتاً بر مسائل محلی متمرکز بود، فعالیت‌هایش یک جنبهٔ جهانی هم داشت که خصوصاً در حوزهٔ ایدئولوژی جهاد جهانی بسیار نمود داشت. بیانیهٔ انصارالشریعهٔ در پاسخ به ربودن ابو انس اللیبی به دست آمریکایی‌ها بود؛ شخصی لیبیایی که قصد داشت در بمب‌گذاری‌های سفارت‌خانهٔ آمریکا در شرق آفریقا شرکت کند. این بیانیه کنایه از دیدگاه جهانی آنها است.<sup>۱</sup> در نهایت، انصارالشریعهٔ استدلال می‌کند که ایالات متحده به دنبال از بین بردن اسلام و تحمیل فرهنگ، ارزش‌ها و قانون خود بر مسلمانان و سرزمین آنها است. آمریکا، که کافر نامیده شده، این اعمال را به سه روش انجام می‌دهد. اول اینکه از تأسیس دولت اسلامی به دست مسلمانان جلوگیری می‌کند. از نمونه‌های آن، کمپین ائتلافی علیه طالبان افغانستان و اسلام‌گراها در شمال مالی است.

دوم، بیانیه‌ای که جنگ علیه جهاد و تعقیب مجاهدان یا جنگ علیه تروریسم را خواهان است. در واقع، این بیانیه خواهان جنگ مقابل اسلام است. وقتی آمریکا در امور دیگر کشورها دخالت می‌کند، اغلب به دنبال اهدافی است که بدون نظارت و مسئولیت، خواهان به‌دست‌آوردن آنها است (به ماجرای ابو انس اللیبی و به طور ویژه کشتن بن‌لادن بدون مشورت با پاکستان، اشاره دارد). این در حالی است که اماکن مقدس و سرزمین مسلمانان را هتک حرمت می‌کند (اشاره به عملیات سپر صحرا و آزادی عراق). آمریکا به بهانهٔ مبارزه با تروریسم و با عنوان تصمیم‌گیرنده و حاکم جهان، در واقع در تلاش برای تحمیل ادعای غیرقانونی‌اش در برتری بر جهان است. انصارالشریعهٔ آشفتگی‌های لیبی را به دخالت آمریکا و تلاش برای تحمیل ظلم و ستم دموکراسی نسبت می‌دهد، که کاملاً مانع اجرای قانون شریعت است. این تجاوز، تکبر و احترام‌نگذاشتن به مسلمانان ناشی از ارزش‌های کفرآمیز آمریکا است؛ مثل قتل و آوارگی، که مستقیماً به تاریخ برده‌داری آمریکا، نژادپرستی و درگیری با آمریکایی‌های بومی برمی‌گردد.

۱. همان، «گرفتن ابو انس اللیبی».

استدلال سوم این بیانیه مبنی بر این است که استفاده آمریکا از واژه «تروریسم»، برچسبی است برای کسانی که به الگوی دموکراسی او ملحق نمی‌شوند. در پاسخ به این ادعا، انصار الشریعة به کمپینی همگانی دعوت می‌کند تا مردم را از اهداف این دول متخاصم و متحدانش، مطلع کنند. منطقی این است که پیش از اراده جهاد، باید به مبارز، این‌گونه تلقین شود که او در حال دفاع از مذهب و سبک زندگی‌اش است. انصار الشریعة اصرار دارد که مسلمانان باید احکام احمد شکیب را (به عنوان یک عالم) بپذیرند که می‌گوید هر گونه همکاری با انگلیس (یا آمریکا) هرچند کوچک باشد، به معنای ارتداد کامل است. بنابراین، به دلایلی که گفته شد، مسلمانان باید همواره با آمریکا در جنگ باشند. درباره لیبی، انصار الشریعة معتقد است این کشور گرفتار تحقیر و رسوایی است؛ چراکه حکومت بر اساس شریعت اسلام را رها کرده است. دولت‌مردان لیبی با اتخاذ الگوی پارلمانی غربی و نه الگوی مبتنی بر اسلام، اساساً، در حال مبارزه با اسلام هستند. مثل حکومت سابق صدام و صالح در عراق و یمن و پس از آنها قذافی، لیبی هم در تلاش برای پیوستن به الگوی حکومتی غربی است.

### حسباء (امر به معروف و نهی از منکر) و جنگ مقابل هفتر

در واقع، با اینکه دعوت در کانون توجه انصار الشریعة قرار دارد، در عین حال، همین دعوت، بخشی از حسباء (امر به معروف و نهی از منکر، که معمولاً متضمن اعمال فشار است) و جهاد نیز محسوب می‌شود.<sup>۱</sup> بر اساس (همین) حسباء، زهاوی با درگیر شدن گروهش در تخریب زیارتگاه و عبادتگاه صوفیان موافقت کرد.<sup>۲</sup> انصار الشریعة، همچنین، به مدرسه انگلیسی در بنغازی حمله کرد و کتاب‌های مربوط به بدن انسان را که گفته

۱. این راهبرد سه‌گانه همچنین در انصار الشریعة تونس به کار گرفته می‌شود؛ دیوید گراتستن رز، «انصار الشریعة، بازی طولانی

تونس: دعوت، حسباء و جهاد»، مرکز بین‌المللی مبارزه با تروریسم، شهر لاهه، ۲۰۱۲.

۲. اخبار بی بی سی، ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۲، گفت احمد ماهر، محمد علی الزهاوی متعلق به انصار الشریعة لیبی را ملاقات کرده است.

می‌شد حاوی تصاویر شهوانی و لذا مخالف اسلام است، مصادره کرد.<sup>۱</sup> معلمان در مدرسه تهدید و ترسانده شدند که تصاویری را که بدن انسان را نشان می‌دهد (از کتب درسی) حذف کنند. اعضای انصارالشریعة در ویدئویی در سرت، به کسانی که از حدود شریعت تجاوز کرده بودند ده‌ها ضربه شلاق زدند.<sup>۲</sup> به علاوه، شمار فراوانی ترور مقامات امنیتی، دولتی و فعالان اجتماعی، وجود دارد که کسی مسئولیت آنها را به عهده نگرفته و در بسیاری از آنها انصارالشریعة در مظان اتهام است.

معروف‌ترین عملیات جهادی انصارالشریعة حمله به کنسولگری ایالات متحده آمریکا در بنغازی است. هرچند ادعای رسمی مبنی بر پذیرش مسئولیت وجود نداشت، اما لحن دوپهلوی بیانیه اولیه انصارالشریعة که سخنگوی آن، هانی المنصوری، ایراد کرد، بیانگر آن است که برخی از اعضای انصارالشریعة در این حمله شرکت داشته‌اند. منصوری دقیقاً گفت که «شرکت دادن کتیبه (پرچم و نماد) انصارالشریعة در بنغازی در فعالیتی نظامی به طور رسمی (از سوی انصارالشریعة) نبوده و دستور مستقیمی در این خصوص صادر نشده است».<sup>۳</sup> این احتمال وجود دارد که برخی متحدان محلی انصارالشریعة در گروه‌های شبه‌نظامی دیگر، در این قضیه شرکت کرده باشند.

در یک مقیاس منطقه‌ای (بومی)، شبیه جهاد عراق، لیبی مرکز آموزش کسانی بود که به دنبال جهاد در سوریه بودند. در واقع، بیشتر کسانی که در اردوگاه‌های لیبی آموزش دیدند (احتمالاً در مصراته، بنغازی، صحرای حوالی منطقه ی هان و در کوه‌های سرسبز شرق) از کشورهای اطراف لیبی آمده‌اند.<sup>۴</sup>

دلایل فراوانی وجود دارد که انصارالشریعة در حال آموزش افراد برای شرکت در جنگ سوریه است. در ششم آگوست ۲۰۱۳، دو ویدئو به صورت زنده از تونسی‌هایی پخش شد

۱. بنیاد رسانه الریان، بیانیه شماره ۷ انصارالشریعة درباره برنامه درسی مدارس اروپایی در بنغازی، سوم مارس ۲۰۱۳.

2. [http://www.youtube.com/watch?feature=player\\_embedded&v=DGJSM۲eXaaU](http://www.youtube.com/watch?feature=player_embedded&v=DGJSM۲eXaaU).

۳. بنیاد رسانه الریان، بیانیه هانی المنصوری درباره کتیبه انصارالشریعة، ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۲.

۴. انجمن بیداری اسلامی، «حامل شمشیر، آیا یک شبکه فراملی رقیب از سوی القاعده در حال شکل گیری است؟»، ۳۰ می ۲۰۱۲.

که در منطقه درعا، به دست نیروهای محلی بازداشت و بازجویی شده بودند.<sup>۱</sup> بر اساس اطلاعات این ویدئوها، این فیلم احتمالاً مربوط به اواخر بهار یا اوایل تابستان ۲۰۱۲ است. به نظر می‌رسد انصار الشریعة از قبل به نحو فعالی به آموزش مبارزان برای سوریه می‌پرداخته است؛ واقعیت تلخی که نشان می‌دهد ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۲ چه چیزی در بنغازی رخ داده است. به علاوه، اعضای انصار الشریعة تونس، که علاقه کمتری به دعوت داشتند، احتمالاً به منظور آمادگی برای شورش یا فعالیت‌های تروریستی در تونس، در لیبی آموزش می‌دیدند.<sup>۲</sup> مثلاً می‌توان به یک تونس‌ی آموزش دیده در لیبی اشاره کرد که مسئول عملیات انتحاری ناموفقی در ساحل پُر رفت و آمد سوسه، شهری در جنوب شرقی تونس، در اکتبر ۲۰۱۳ بود.<sup>۳</sup>

در حالی که حسابه و آموزش مبارزان خارجی در طول چند سال گذشته، در سایه ادامه داشت، مبارزه انصار الشریعة با ژنرال هفتر، هم در پیام‌ها و هم در محتوای فضای مجازی (اینترنت) جنبه عمومی بیشتری گرفت. زمانی که ژنرال هفتر عملیات کرامت را در ۱۷ می اعلام کرد، ماهیت چهره عمومی انصار الشریعة، بیشتر به گروهی با اولویت جهادی بدل شد تا اولویت دعوت.

در اواخر می ۲۰۱۴ در آغاز درگیری، زهاوی نشست خبری ضبط‌شده‌ای (آفلاین) را برگزار کرد که در آن ژنرال هفتر را محکوم کرد و حمله او را حمله صلیبی علیه اسلام نامید. به نظر زهاوی، ایالات متحده، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و مصر، پشتیبانان ژنرال هفتر بودند. کلام زهاوی به دخالت‌های (آمریکا در) خارج از لیبی مثل افغانستان، عراق و سومالی و هشدار آمریکا درباره پیوستن به مبارزان اشاره دارد. زهاوی با لحن جسورانه‌ای ادعا کرد که انصار الشریعة در حال پیروزی است. او گفت:

از خدا متشکریم که به ما قدرت داد بر هفتر پیروز شویم و او را در تلاش برای ورود مجدد به بنغازی به مبارزه می‌طلبیم. به او هشدار می‌دهیم که اگر این جنگ

۱. <https://www.facebook.com/photo.php?v=۱۴۵۰۱۵۱۲۲۳۷۳۵۵۸>

۲. مصاحبه مؤلف با یکی از بیست عضو اصلی یا مؤسس انصار الشریعة تونس در زندان، نشریه فرانسوی لو لاک، ۲۹ اگوست ۲۰۱۳.

۳. تارک امارا، «حملات بمب‌گذاری انتحاری به شهر توریستی تونس»، رویترز، ۳۰ اکتبر ۲۰۱۳.

را علیه ما ادامه دهد، مسلمانان از سراسر دنیا برای مبارزه با او خواهند آمد،  
آنچنان که در سوریه هم اکنون در جریان است، (و در این صورت) جنگ ادامه  
می‌یابد و انصار الشریعة است که تصمیم می‌گیرد، کی آن را به پایان برساند.<sup>۱</sup>

تبلیغات انصار الشریعة دائماً ساکنان بنگازی را قربانیان تجاوز و ویرانگری معرفی  
می‌کرد. مثلاً در ویدئویی که تاریخش مربوط به ۱۳ می ۲۰۱۴ بود، شخصی که با او  
مصاحبه می‌شد به دلیل نابودی خانه و اموالش که هدف اصابت گلوله نیروهای ژنرال  
هفتر قرار گرفته بود، گریه می‌کرد.<sup>۲</sup> یک ماه بعد، در ۲۹ جولای، انصار الشریعة ویدئویی  
منتشر کرد حاوی این مطلب که چگونه ارتش ژنرال هفتر مردم را بمباران می‌کند، در حالی  
که انصار الشریعة شجاعانه از شهر دفاع می‌کند.<sup>۳</sup> در ۷ آگوست، انصار الشریعة فیلمی دیگر  
از ویرانی‌های بیشتر منتشر کرد، که در آن خانه‌های سوخته و محله‌های ویران نشان داده  
می‌شد. در اول دسامبر، مجموعه‌ای از تصاویر را منتشر کرد که حاکی از آپارتمان‌ها و  
خانه‌های سوخته در صبری، در همسایگی بنگازی، بود.<sup>۴</sup> هدف اصلی این حرکات،  
برانگیختن افکار عمومی علیه ژنرال هفتر بود.

این جنگ جدای از بسیج همگانی و نظامی کردن (چهره) انصار الشریعة در بنگازی،  
برخی احزاب اسلام‌گرا را نیز تحت عنوان مجلس شورای ثوار (انقلابیون) بنگازی  
(MSTB)، با هم متحد کرد. در ۲۰ ژانویه ۲۰۱۴، انصار الشریعة، گردان راف الله  
السحاتی، گردان شهدای ۱۷ سپتامبر، (گروه) حامی اول لیبی، و جیش المجاهدین،  
اتحادشان را اعلام کردند.<sup>۵</sup> مجلس شورای ثوار (انقلابیون) بنگازی زهاوی را به عنوان  
رهبر خود، و سام بن حمید از گروه حامی اول لیبی، را به عنوان رهبر نظامی و جلال  
مخزوم از گردان راف الله السحاتی را به عنوان فرمانده نظامی انتخاب کرد. تا امروز،

۱. روزنامه آنلاین لیبیا هرالد، ۲۸ می ۲۰۱۴.

۲. بنیاد رسانه الریان، «بمب‌هایی که به بنگازی خسارت زد در دست کسانی است که خود را فرمانده ارتش می‌نامند»، ۳۱ می ۲۰۱۴.

۳. همان، ۲۹ جولای ۲۰۱۴.

۴. همان، ۷ آگوست ۲۰۱۴.

۵. بیانیه مجلس شورای انقلابیون بنگازی، ۲۰ ژوئن ۲۰۱۴.

مجلس شورای ثوار (انقلابیون) بنغازی با رهبرانش، که ویدئوهای مشترکی با عنوان «در ۵ اکتبر» منتشر کردند، نیرویی قوی باقی مانده است، زمانی که بن حمید (در این ویدئوها) اعلام کرد: «ما به نیروهای هفتر توصیه می‌کنیم از آنچه انجام می‌دهند بازگردند و پیش از آنکه دیر شود، به درگاه خداوند توانا توبه کنند» زهاوی با خوشحالی افزود: «من به ملتمان در بنغازی، برای این فتح بزرگ تبریک می‌گویم و اینکه ما امید داریم تا تحقق هدفمان، یعنی کنترل کامل بنغازی، باقی بمانیم، و به خواست خدا، اینجا برای فرزندان و مردمش مکانی امن‌تر خواهد بود».<sup>۱</sup> از ۱۲ دسامبر، انصارالشریعة عملیاتش را از بنغازی فراتر برد و به درنا هم گسترش داد که این تا حدودی ناشی از تعهدش به این چتر حمایتی سازمانی تازه تأسیس بود. در واقع انصارالشریعة تحت عنوان مجلس شورای مجاهدین درنا (MSMD)، با گردان شهدای ابوسلیم و جیش الاسلام لیبی متحد شد.<sup>۲</sup>

برخلاف بنغازی، انصارالشریعة در این اتحاد موقعیت چندانی ندارند، در حالی که این موقعیت ضعیف‌تر در درنا کاملاً مشهود بود. در عوض، رهبر گردان شهدای ابوسلیم، سلیم دیربی، که مجلس شورای مجاهدین درنا را رهبری می‌کرد، عضوی از انصارالشریعة، به نام سفیان بن قمو، را به همراه یوسف بن تحریر از جیش الاسلام لیبی، به عنوان فرمانده نظامی مجلس شورای مجاهدین درنا منصوب کرد. در حالی که در بنغازی مجلس در حال جنگ با ژنرال هفتر بود، حامیانش در درنا علاوه بر مبارزه با هفتر، در رقابت مستقیم با مجلس شورای شباب الاسلام (MSSI) بودند که در بیعت داعش و رهبر آن ابوبکر بغدادی درآمده بود.

هرچند لیبی به مهم‌ترین عرصه نبرد جهادی‌ها بدل شده است، نمی‌تواند در مخالفت با سوریه گرایش خاصی را بر مبارزان خارجی تحمیل کند. اگرچه، هم‌اکنون اردوگاه‌های آموزشی لیبی مبارزان خارجی‌ای را آموزش می‌دهد که ابتدا به قصد (فرستادن به) سوریه بود ولی در عوض اکنون یا به انصارالشریعة یا به دولت اسلامی (ISL) در لیبی پیوسته‌اند.

۱. همان، «رهبران مجلس شورشیان بنغازی از مأموریتشان سخن می‌گویند»، ۵ اکتبر ۲۰۱۴.

۲. شیخ سلیم دیربی، «اعلام مجلس شورای مجاهدین درنا»، ۱۲ دسامبر ۲۰۱۴.

اکثر مبارزان خارجی در لیبی از کشورهای اطراف مثل تونس، مصر، الجزایر، سودان و مراکش اند ولی مبارزانی از فلسطین، عربستان سعودی و یمن هم در بین آنها هست.

### مرگ زهاوی و رشد دولت اسلامی در لیبی

مشابه مناطق جنگی دیگر، خصوصاً سوریه، به نظر می‌رسد ولایت نوپایی که داعش در لیبی بنا نهاد، اخیراً هوادارانی در انصارالشریعة به دست آورده است.<sup>۱</sup> این قضیه تا حدودی ناشی از این تصور است که حرکت داعش در حال پیروزی است و اینکه، آن گروه جهادی خوبی است. دلیل دیگر که متوجه انصارالشریعة است، مرگ زهاوی است که در ژانویه ۲۰۱۵ تأیید شد، حتی اگر (بنا به نقلی) او زخمی شده باشد و تا اواخر اکتبر ۲۰۱۴ از نظرها پنهان شده باشد.<sup>۲</sup>

رشد سریع شباب الاسلام (وابسته به داعش) نشان‌دهنده تغییر ماهیت جهادگرایی در لیبی است. اما اصولاً در جهان عرب شکافی بین احزاب همسو با القاعده و احزابی که به داعش نزدیک‌ترند، ایجاد شده است. شباب الاسلام در ۴ آوریل ۲۰۱۴ به طور عمومی اعلام موجودیت کرد؛ یعنی زمانی که اعضای نقاب‌زده این گروه به خیابان‌های درنا ریختند، در حالی که لباس متحدالشکل نظامی پوشیده بودند و سوار بر وانت‌ها آر.پی.جی‌ها، نارنجک‌اندازها، مسلسل‌ها و توپ‌های ضدهوایی‌شان را تکان می‌دادند. آنها با صدای بلند اعمال شریعت را اعلام می‌کردند.<sup>۳</sup> تا زمان اعلام رسمی بیعت این گروه با داعش، آنها به فعالیت‌هایی همچون گشت‌های امنیتی و حفاظت از بیمارستان الحریش درنا مشغول بودند. همچنین، اشخاصی را که به خاطر آنها توبه کردند، و نیز مصادره مواد مخدر و الکل و اشخاص اعدام‌شده را به اطلاع عموم می‌رسانند.

۱. اینها تحت فرمان مجلس شورای شباب الاسلام سابق بودند، و شامل لیبیایی‌هایی می‌شود که تحت پرچم «کتیبه البتار» از سوریه بازگشته بودند.

۲. بنیاد رسانه الریان، ۲۴ ژانویه ۲۰۱۵.

۳. خبرگزاری فرانسه، «تحمیل قانون اسلام از سوی جهادی‌های لیبیایی در شهر اصلی‌شان»، ۶ آوریل ۲۰۱۴.

برای رسمیت دادن به الحاق قلمرو به داعش و تبدیل شباب الاسلام (MSSI) به ولایت البرقاء، آنها در ۲۲ ژوئن ۲۰۱۴ در حمایت از داعش و بغدادی، بیانیه‌ای منتشر کردند.<sup>۱</sup> به دنبال این بیانیه، اعلامی رسمی مبنی بر بیعت در سوم اکتبر بود که قلمرو شباب الاسلام در درنا را به خلافت تسلیم می‌کرد.<sup>۲</sup> به همین مناسبت، شباب الاسلام انجمنی را با عنوان «خلافة المنهج النبوی» (شعاری که در طول سال‌های قبل داعش از آن استفاده می‌کرد) در مسجدالصحابة درنا تأسیس کرد. یک ماه و نیم بعد، بغدادی پیامی صوتی مبنی بر اعلام ایجاد چند استان جدید در کشورهای مختلف عربی، از جمله لیبی، منتشر کرد. این اعطای مشروعیتی جدید برای شباب الاسلام بود که در سه استان لیبی مشغول فعالیت بودند: ولایت البرقاء در شرق، ولایت فیزان در جنوب و ولایت الطرابلس در غرب. تغییر برجسته این بود که داعش کنترل فعالیت‌های رسانه‌ای شباب الاسلام را به عهده گرفت.<sup>۳</sup>

از آن پس، داعش به آرامی حکومتش را بر بخش‌های مختلف اجرایی لیبی گسترش داد و در طول این مسیر نیروهای ژنرال هفتر را گردن می‌زد. داعش تا آغاز سال ۲۰۱۵ درگیر مبارزه در بنغازی، سرت و درنا بود. همچنین، شاید اعدام دو روزنامه‌نگار سکولار تونس، کشتن ۲۱ مسیحی مصری که در اطراف سرت گروگان گرفته شده بودند و انجام عملیات تروریستی مقابل هتل کورینثیا در تریپولی از اقدامات داعش باشد. این در حالی است که داعش در سرت و درنا گشت‌های حسباء (امر به معروف و نهی از منکر) را در بازارهای محلی تشدید کرد و افزایش داد تا مطمئن شود کسی غذای خراب و فاسد نمی‌فروشد، قلیان‌ها را مصادره کرد (و از زمانی که فروش تنباکو را مخالف اسلام دید، مغازه‌های فروش تنباکو را بست) و دستور داد مغازه‌ها در طول نمازهای روزانه، فروش را متوقف کنند. داعش همچنین برخی فعالیت‌های دعوتی انجام داد که بزرگ‌ترین آن در

۱. بیانیه مجلس شورای شباب الاسلام، «به شیران دولت اسلامی عراق و شام»، ۲۲ ژوئن ۲۰۱۴.

۲. لیبیا هیرالد، ۲۴ اکتبر ۲۰۱۴.

۳. آرون. وای. زلین، «مجمع الجزایری از استان‌های دولت اسلامی»، انسیتیو واشنگتن در سیاست خاورمیانه، ۱۴ نوامبر ۲۰۱۴.

۲۵ نوامبر ۲۰۱۴، با شعار «خلافت بر منهج پیامبر» بود. به علاوه، برای جلب توجه و نظر مردم، کمک‌هایی را برای فقرا و نیازمندان فراهم کرد و در بنغازی به بچه‌ها هدیه و شیرینی داد. در حرکتی مشابه در سوریه، داعش در تلاش برای تحمیل قوانینش بر داروخانه‌ها و اماکن مرتبط با صنعت بهداشت است. البته نباید این‌گونه تلقی شود که داعش تمام لیبی را به کنترل خود درآورده یا حتی کنترل کامل هر کدام از این شهرها را دارد، اما این نشان‌دهنده رشد کمی و کیفی داعش در این منطقه است.

این پیشرفت‌ها نشان‌دهنده فرسایش و افول مشروعیت انصارالشریعة، همچنین محافظت دقیق و پرزحمت ایشان در حفظ اعتبارشان، است. در پاسخ (به فعالیت‌های داعش) انصارالشریعة در اواخر ژانویه ۲۰۱۵ حرکتی آرام را برای ایجاد نیروی پلیس اسلامی و دادگاه شریعت در بنغازی آغاز کرد. اینکه انصارالشریعة احساس کند مجبور به رقابت آشکار و علنی با داعش است کاملاً محتمل است، خصوصاً که برخی اعضایش به داعش پیوسته‌اند. این قضیه ممکن است به خشونت واقعی بین این دو منجر شود، شبیه آنچه بین جبهه النصره و داعش در سوریه واقع شد. هرچند هم‌اکنون مبارزه جهادی خونینی وجود ندارد. در واقع، شایعاتی وجود دارد مبنی بر اینکه انصارالشریعة، به زودی به داعش ملحق خواهد شد، خصوصاً در پرتو بیعت عالم شرعی انصارالشریعة، ابو عبدالله اللیبی، با ابوبکر بغدادی.<sup>۱</sup>

### نتیجه

در نتیجه مرگ زهاوی و رشد دولت اسلامی (داعش) در لیبی، پرسش‌های متعدد و مهمی برای انصارالشریعة مطرح است. انصارالشریعة، به عنوان نیروی نظامی عمده و مهم، در بنغازی و درنا باقی می‌ماند، اما آیا انصارالشریعة استقلال خود را حفظ می‌کند یا اینکه با سایر گروه‌های شبه‌نظامی ادغام می‌شود؟ آیا رشد دولت اسلامی (داعش) منجر به بروز درگیری خونین خواهد شد، مانند آنچه بین جبهه النصره و داعش در سوریه اتفاق

1. <https://twitter.com/khatab7b/status/58189102417338624>

افتاد؟ به‌علاوه آیا انصارالشریعة قادر به حفظ عملکرد خود در شهرهای دیگر، غیر از بنغازی، هم هست؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها خیلی زود است، اما اگر همین مسیر ادامه پیدا کند دولت اسلامی ممکن است اعضای تازه انصارالشریعة در خارج از بنغازی را به خود جذب کند و حتی در درون خود بنغازی هم ممکن است سبب فرسایش انصارالشریعة شود. سازمان‌های جهادی، نظیر انصارالشریعة، معمولاً چالاک و سازگارند، مانند آنچه در جبهه النصرة دیدیم، که قادر بودند از معضلات داعش جان به در ببرند. هرچند در این خصوص انصارالشریعة، هم‌اکنون با آینده‌ای مبهم روبه‌رو است؛ (یعنی) بین همکاری با دولت اسلامی (داعش) یا تحلیل رفتن.

## منابع

۱. انجمن بیداری اسلامی.
۲. انستیتو واشنگتن در سیاست خاورمیانه.
۳. بنیاد رسانه الریان.
۴. بیانیه تأسیسی مجلس شورای انقلابیون یمن، ۲۰ ژوئن ۲۰۱۴.
۵. بیانیه مجلس شورای شباب الاسلام، ۲۲ ژوئن ۲۰۱۴.
۶. خبرگزاری فرانسه.
۷. روزنامه آنلاین ليبيا هوالد، روزنامه لیبیایی مستقل.
۸. روزنامه رویترز.
۹. روزنامه هآرتس، از روزنامه‌های منتشره در سرزمین‌های اشغالی.
۱۰. شبکه السحاب (شبکه‌ای که عهده‌دار پخش ویدئوهای القاعده و سازمان‌های وابسته به آن است).
۱۱. کانال سیاست‌های خارجی خاورمیانه (Foreign Policy's Middle East Channel).
۱۲. گراتستن رز، دیوید، «انصار الشریعة، بازی طولانی تونس: دعوت، حسبه و جهاد»، مرکز بین‌المللی مبارزه با تروریسم، شهر لاهه، ۲۰۱۲.
۱۳. نشریه فرانسوی لو لاک.
۱۴. نشریه فکر آفریقا.
۱۵. BBC News
۱۶. [http://www.youtube.com/watch?feature=player\\_embedded&v=DGJSM2eXaaU](http://www.youtube.com/watch?feature=player_embedded&v=DGJSM2eXaaU).
۱۷. <https://twitter.com/khatab7b/status/581891024173338624>
۱۸. <https://www.facebook.com/photo.php?v=144996892375381>